

اللَّهُ أَحْمَدُ الْعَزِيزُ



# اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان

عنوان پژوهش : بررسی مشکلات و موانع سرمایه گذاری در بخش خصوصی

تهیه کننده : واحد پژوهش های اتاق هرمزگان

طبقه بندی موضوعی : علوم اقتصادی

واژه های کلیدی : سرمایه گذاری، بخش خصوصی، مشکلات، پیشنهادات

## فهرست :

- ❖ مقدمه..... ۱
- ❖ جایگاه سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه..... ۳
- ❖ اهداف عمده مدنظر از ابلاغ سیاست‌ها..... ۴
- ❖ معرفی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی..... ۴
- ❖ موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی..... ۹
- ❖ جمع بندی..... ۱۱



## ❖ مقدمه

سرمایه‌گذاری یکی از الزامات مهم برای رشد اقتصادی پایدار و دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی است. سیاست‌گذاران اقتصادی با استفاده از سیاست‌های کلان اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه بخش خصوصی را هدایت کرده و با ایجاد انگیزش‌هایی، سرمایه‌گذاران را به انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری ترغیب می‌نمایند. تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی، به دلیل بالا بودن کارایی و انگیزه‌های سودجویی، تخصیص بهینه و عوامل تولیدی را در پی خواهد داشت. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند یکی از وظایف مهم دولت‌ها ایجاد شرایط ایمن از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای بخش خصوصی در جهت سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌باشد. با این حال بیشتر نظریه‌های سرمایه‌گذاری برای جوامع پیشرفته طراحی شده‌اند و نمی‌توان آنها را برای کشورهای در حال توسعه با ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی متفاوت به کار برد. از نظر تحلیلی، برخی مشکلات ساختاری مانند وجود نداشتن بازارهای مالی با کارکرد مناسب، نقش عمده دولت در تشکیل سرمایه، اختلالات ایجاد شده بر اثر محدودیت‌های مبادله خارجی و نواقص دیگر بازار در اکثر کشورهای در حال توسعه، موجب شده است فرضیه‌های مربوط به بهینه کردن رفتار سرمایه‌گذاری تأمین نشود و کشورهای در حال توسعه برای استفاده از این نظریه‌ها، با مشکل مواجه شوند. بررسی فعلی مشکلات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، به شناسایی نقاط ضعف و قوت موجود کمک می‌نماید تا از طریق آن بتوان جذب سرمایه‌گذاری را بهبود بخشید. با توجه به اینکه اثرات نهایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از اثر نهایی سرمایه‌گذاری بخش دولتی بالاتر بوده است، بنابراین سیاست‌های تشویقی جهت شرکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی، سیاستی موجه می‌باشد؛ که این کار را می‌توان از طریق کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی به عنوان هزینه استفاده از سرمایه‌گذاران و حمایت مالی از طریق افزایش سطح اعتبارات اعطایی به این بخش انجام داد.

امروزه اقتصاد به عنوان محوری‌ترین معیار توسعه در هر کشوری مورد ارزیابی جهانی قرار گرفته و بر پایه شاخص‌های موجود در اقتصاد، وضعیت توسعه‌یافتگی در هر جامعه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. تولید ملی از بارزترین نمادهای توسعه اقتصادی در هر کشور است که شرایط مطلوب آن نشانگر وضعیت قابل قبول در زمینه فعالیت‌های اقتصادی است و از سوی دیگر، لازمه مطلوبیت تولید ملی در یک جامعه، وجود شرایط کاری مناسب و استفاده بهینه از سرمایه‌های داخلی است. از این رو، حمایت از کار و سرمایه‌های داخلی در سطح جامعه می‌تواند نقشی بی‌بدیل در زمینه شکوفایی اقتصادی ایفاء نموده به و نحو مؤثری شرایط اقتصادی مناسبی را برای رشد و توسعه مهیا سازد تا انگیزه‌های فراوانی را برای نیروهای انسانی و سرمایه‌گذاران ایجاد نماید. در واقع، یکی از محرک‌های اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری است، که می‌تواند



تخصیص صحیح و مطلوب منابع بین بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را در جهت تقویت بنیه تولید داخلی بکارگیرد.

با به کارگیری صحیح سرمایه و ترکیب آن با دیگر عوامل تولید و استفاده بهینه از منابع محدود می‌توان ظرفیت تولید را افزایش داد. به عبارت دیگر، توسعه فعالیت‌های اقتصادی بدون فراهم‌سازی شرایط افزایش تشکیل سرمایه در این فعالیت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. شکی نیست که لازمه این امر، کارا عمل کردن بخش دولتی و مشارکت فعال بخش خصوصی در فرایند سرمایه‌گذاری است.

هر چند میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید ناخالص داخلی نسبت به سایر اقلام مثل مصرف خصوصی، مصرف عمومی اندک است؛ اما مطالعه و بررسی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه، مبین آن است که عمده‌ترین دلیل کاهش نرخ رشد اقتصادی، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری، به ویژه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده است به گونه‌ای که این متغیر را به عنوان یکی از متغیرهای عمده تأثیرگذار بر تولید ناخالص داخلی مطرح کرده‌اند.

دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه چندین ساله عملکرد شرکت‌های دولتی در اقتصاد کشور و تجربیات اداره شرکت‌هایی که قبلاً در بخش خصوصی ایجاد و سازمان‌دهی شده بودند و لزوم ایجاد شرایط لازم جهت خیزش سریع به سمت توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه و در راستای بهینه‌سازی استفاده از منابع ملی، فرصت‌های موجود و دارایی‌های جامعه، تصمیم گرفت با اجرای سیاست‌واگذاری شرکت‌های دولتی، عدم کارایی‌های گذشته را جبران نماید و با کاهش تصدی‌گری خود، از فرصت‌ها و نیروهای موجود به نحو مطلوب‌تری در جهت افزایش سطح رفاه و تعدیل پراکندگی توزیع درآمد در جامعه استفاده نماید.

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری، در حقیقت بیانگر نوع نگرش نظام به فعالیت‌های اقتصادی کشور است. هدف اصلی از ابلاغ این سیاست‌ها، تبدیل اقتصاد فعلی کشور به یک اقتصاد پویا، توسعه‌ای و رقابتی است که با کاهش تصدی‌گری دولت و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی امکان‌پذیر خواهد بود. در چارچوب فرایند خصوصی‌سازی، یک اقتصاد رقابتی شکل گرفته و اقتصاد رقابتی به تغییر نقش دولت، ایجاد امکانات مالی جدید و گسترش رفاه عمومی منجر می‌شود. خصوصی‌سازی از جمله اثربخش‌ترین و ضروری‌ترین راهبردهای دستیابی به صنعت و اقتصادی مترقی و پویا است. اصل ۴۴ قانون اساسی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است و در صورتی که این اصل مطابق دیگر اصول قانون اساسی محقق شود، رشد و توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. داشتن اقتصادی متمرکز و دولتی، نتیجه عدم‌پایبندی به اصل ۴۴ قانون است تا جایی که برخی معتقدند ۸۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است. با بررسی تاریخچه کشورهای پیشرفته و توسعه یافته درمی‌یابیم که تکیه گاه اصلی این کشورها بر بخش صنعت بوده و پس از شکوفایی این بخش، سایر بخش‌های اقتصادی نظیر کشاورزی و خدمات نیز توانسته‌اند



به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یافتند. اما قابل ذکر است که شکوفایی اقتصادی و سطح استاندارد زندگی در هر کشوری، تابعی از کم و کیف تولید ملی آن کشور است. در عین حال، برای تشویق و تحریک ساکنان هر کشور به ورود به عرصه کوشش‌های مولد اقتصادی و هنرآفرینی، لازم است بسترسازی و فرایندسازی شود و محیط باز اقتصادی و قواعد حاکم بر آن، به گونه‌ای فراهم گردد که در آن، فعالیت‌های اقتصادی مولد و هنرآفرینی ساکنان کشور معنا دار شود. از آنجاکه اکثر صنایع کوچک و متوسط، توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کارگاه‌های صنعتی ایران به لحاظ شناخت توانمندی‌های اقتصادی و جهت‌دهی فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا از اهمیت خاصی در طراحی و مدیریت سیاست‌های اقتصادی کارآ بر خوردار است.

### ❖ جایگاه سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از درجه بالایی از نااطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی برخوردار هستند. رشد، تورم، نرخ ارز و سایر متغیرهای مهم کلان نسبت به اقتصاد کشورهای صنعتی بیشتر در معرض نوسان هستند و اثرات این نوسانات بالا از چندین دیدگاه - رشد، سرمایه‌گذاری و تجارت - در مطالعات تجربی اخیر مورد توجه قرار گرفته است. نوسانات وسیع نرخ ارز واقعی که از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه است، محیط نااطمینانی را برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خصوصی ایجاد می‌کند. از آن جهت که پیش‌بینی سودآوری‌ها را در بخش‌های تجاری و غیرتجاری و همین‌طور هزینه کالاهای سرمایه‌ای جدید را به دلیل حجم بالای واردات آن دچار مشکل می‌کند. موضوع سرمایه و سرمایه‌گذاری در ایران به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و بی‌ثباتی قیمت آن و بالا بودن ریسک، همواره با مشکلات فراوانی همراه بوده و به همین دلیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، نوسان‌های شدیدی داشته است. علیرغم آنکه نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی در ایران اغلب بالا بوده؛ ولی به دلیل وابستگی شدید آن به منابع عظیم نفت و به دنبال آن، درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام، نوسان‌های زیادی بر سیستم تحمیل شده است. تکان‌های منفی نفتی از دو جهت تولیدات را محدود می‌کند؛ یکی از ناحیه محدودیت‌های وارداتی (مواد کالاهای نیمه تمام مورد نیاز فرایند تولید) به دلیل محدودیت‌های ارزی؛ و دوم از جهت محدودیت‌های منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری. زودبازده بودن سرمایه‌گذاری‌ها در بخش غیرمولد، دستیابی به سودهای کلان اقتصادی و فرایند ساده ورود به فعالیت‌های اقتصادی خدمات و حتی اقتصاد زیرزمینی نسبت به تمام ریسک‌ها و نااطمینانی‌های این نوع فعالیت‌ها در بخش مولد باعث شده که مخارج سرمایه‌گذاری به این سمت هدایت شود و در صورت علاقه سرمایه‌گذاران به بخش‌های مولد، این منابع به آن سوی مرزها هدایت شود. مجموعه دلایل فوق در کنار نرخ پایین پس‌انداز ملی و تشکیل سرمایه، کمبود منابع و تأسیسات زیربنایی، نرخ بالای بیکاری و سطح پایین فعالیت‌های اقتصادی، حضور دولت‌ها را در عرصه اقتصاد پر رنگ‌تر کرده است. تلاش برای دستیابی به حد



مطلوب و ترکیب بهینه حضور دولت و بازار، در اقتصاد موجب شده است سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی اصلاح ساختار اقتصادی در کشورهای مختلف جهان به ویژه در اقتصاد ایران پیگیری شود و کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و در حال توسعه برای رهایی از مشکلات شرکت‌های دولتی و افزایش کارایی، خصوصی‌سازی را به طور گسترده اجرا کنند.

در راستای دستیابی به این هدف مهم، رهبر معظم انقلاب اسلامی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ کردند. ابلاغ این سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم بر اساس بند یک اصل ۱۱۹ قانون اساسی که تعیین سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، در حیطة و وظایف رهبر انقلاب قرار داده است، صورت گرفته است.

#### اهداف عمده مدنظر از ابلاغ سیاست‌ها عبارتند از:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی
- گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی
- ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناری
- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی
- افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی
- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی
- افزایش سطح عمومی اشتغال
- تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها

#### ❖ معرفی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی

عوامل متعددی از قبیل متغیرهای پولی و مالی، سیاسی و ساختاری بر فرآیند سرمایه‌گذاری و در نهایت، رشد اقتصادی کشور تأثیر دارند. تا کنون مطالعات متعددی در زمینه تعیین رفتار سرمایه‌گذار بخش خصوصی و مشخص نمودن عوامل مؤثر بر آن در کشورهای مختلف صورت گرفته است که نتیجه آن نمایان شدن متغیرهای مؤثر بر رفتار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از قبیل تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش دولتی، اعتبارات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی، ریسک و نااطمینانی است.

- **سیاست مالی:** در اغلب ادبیات موضوع نظری و تجربی، به رابطه میان سیاست مالی و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود و مسئله بررسی رابطه میان سیاست مالی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کمتر به عنوان یک هدف اصلی مورد توجه قرار گرفته است. سیاست‌های مالی از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. برای این منظور، می‌توان از متغیرهایی



مانند: مخارج جاری دولت، مخارج سرمایه‌های دولت، درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی و بالاخره کسری بودجه استفاده کرد.

### الف) تأثیر مخارج دولت (بودجه عمرانی) بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

دولت از دو طریق می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر بگذارد: اول از طریق قوانین و مقررات، دوم از طریق سیاست‌های پولی و مالی. در بخش مالی، هزینه‌های دولت عمده‌ترین عامل تأثیر گذار است. بدین صورت که هزینه‌های دولت می‌تواند به صورت منفی یا مثبت بر سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی تأثیر بگذارد. آثار مثبت از طریق زیر اعمال می‌شود:

- ایجاد زیربنای و زیرساخت‌های مناسب اقتصادی
- ایجاد تقاضا برای کالا و خدمات تولیدی بخش خصوصی
- عرضه سرمایه انسانی کافی و ماهر به جامعه
- تأمین امنیت در جامعه.

آثار منفی هزینه‌های دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی در قالب دو اثر مستقیم و غیرمستقیم قابل بیان است. به دلیل اینکه منابع جامعه از قبیل نیروی کار، مواد اولیه و اعتبارات مالی کمیاب است، افزایش تقاضای دولت برای آنها، دارای اثر رقابتی با بخش خصوصی در جذب منابع است. بنابراین ممکن است هزینه‌های دولت اثر منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی بگذارد. به طور کلی، رابطه میان مخارج عمومی و یا مخارج دولتی با سرمایه‌گذاری خصوصی یک بحث عمیق و ریشه‌دار در اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه است؛ به طوری که نتایج بررسی‌ها در تأیید بعضی از دیدگاه‌های نوین اقتصاد و رد دیگر دیدگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و یکی از موارد اختلاف نظرها در اقتصاد کلان است. تأثیر مخارج دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی، ادبیات خاصی در اقتصاد با عنوان رابطه جایگزینی و رابطه مکملی میان این دو بخش به وجود آورده است. افزایش حجم مخارج دولت سبب بهره‌گیری بیشتر این بخش از منابع محدود اقتصاد می‌شود. این مسئله سبب می‌شود که قیمت منابع اقتصادی افزایش یافته و اکنون بخش خصوصی برای ادامه و یا شروع به فعالیت با هزینه‌های بیشتری رو به رو شود. از سوی دیگر، حضور دولت در برخی از عرصه‌ها ممکن است در نهایت به نفع بخش خصوصی و مثلاً سبب کاهش هزینه‌های بالاسری این بخش شود. بنابراین، تأثیر هزینه‌ها و مخارج دولتی بر بخش خصوصی، نتیجه مشخص و معینی ندارد.

ب) تأثیر درآمدهای دولت بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی: قوانین مالیاتی از جمله قوانین مادر در زمینه‌های اقتصادی محسوب شده و شاید یکی از مهمترین ارکان اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت است. اصولاً از قوانین مالیاتی می‌توان به عنوان اهمی برای توسعه اقتصادی استفاده کرد و آن را به عنوان مشوق سرمایه‌گذاری و پس انداز به کار گرفت. دولت عموماً می‌تواند با تغییر در نرخ قوانین مالیاتی باعث ایجاد





مکانیزم‌هایی شود که مسایل عمومی اقتصاد کشور همچون کسری بودجه، تورم، بیکاری، نامتعادل بودن توزیع درآمد، کاهش صادرات غیرنفتی و بسیاری از مسایل دیگر از جمله مسئله سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد و شرایط لازم را برای رشد و شکوفایی اقتصاد کشور فراهم نماید.

- **نسبت سپرده‌های بانکی به تولید ناخالص داخلی:** پس انداز، یکی از ارکان توسعه و رشد اقتصادی بر مبنای گسترش سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش خصوصی است. منبع تأمین سرمایه، پس انداز است که در ایجاد سرمایه اهمیت شایانی دارد. هر حکومتی برای رسیدن به درجات بالای رشد اقتصادی که یکی از شاخص‌های توسعه محسوب می‌شود، نیاز به ایجاد پس انداز و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری مولد دارد و باید بسترهای لازم را برای سرمایه‌گذاری و به فعلیت رساندن آنها فراهم کند. در اغلب مطالعات انجام شده در خارج از کشور، رابطه مثبت و معناداری میان تغییرات پس انداز و سرمایه‌گذاری و نرخ رشد وجود داشته است.

- **نقش دولت در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی**

تعیین حدود دخالت دولت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی مهم‌ترین مساله‌ای است که از بدو شکل‌گیری اندیشه اقتصادی مدرن پیش‌روی نظریه پردازان اقتصادی قرار داشته است. تجربه ۵۰ سال گذشته فواید و محدودیت‌های عملکرد دولت را به ویژه در ارتقای توسعه به روشنی نشان داده است. دولت‌ها برای دستیابی به پیشرفت‌های مهم در بخش آموزش و بهداشت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی بسیار کوشیده‌اند. البته برخی از عملکردهای دولت نتایج ضعیفی داشته است؛ اما حتی در جایی که دولت‌ها کارنامه درخشانی از عملکرد گذشته خود بر جای گذاشته‌اند، بسیاری از افراد نگران ناتوانی دولت در سازگاری با جهانی شدن اقتصادند. سرمایه‌گذاری دولتی می‌تواند از طرق زیر موجب افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شود:

الف) عوارض جانبی سرمایه‌گذاری دولتی که در امر زیربنایی انجام می‌شود، باعث افزایش بهره‌وری یا کاهش هزینه‌های تولید و با هزینه‌های مبادله و سودآوری می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش می‌دهد.

ب) سرمایه‌گذاری دولتی که موجب افزایش تقاضا برای تولیدات بخش خصوصی می‌شود، سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش می‌دهد.

ج) سرمایه‌گذاری دولتی که موجب افزایش در آمد ناخالص داخلی و پس انداز ملی می‌شود، منابع فیزیکی مالی برای اقتصاد و بخش خصوصی را فراهم می‌آورد و از این طریق، موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود.



از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری دولتی، لاقلاً از دو طریق زیر می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر منفی بگذارد:

الف) سرمایه‌گذاری دولتی موجب رقابت دولت با بخش خصوصی برای تخصیص منابع کمیاب فیزیکی و مالی اقتصاد می‌شود و از طریق افزایش نرخ‌های بهره و یا سهمیه بندی اعتبارات بانکی، از منابع قابل دسترس بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری می‌کاهد.

ب) سرمایه‌گذاری دولتی و تولید کالاهایی که با تولیدات بخش خصوصی رقابت می‌کند، موجب کاهش سود آودی بخش خصوصی می‌شود و از سرمایه‌گذاری خصوصی می‌کاهد. در حقیقت دولت باعث بوجود آمدن رقابت بین بخش خصوصی و عمومی شده است و به جای این که زمینه‌ای برای سرمایه‌گذاری خصوصی فراهم نماید، به عنوان جایگزین بخش خصوصی عمل می‌کند که منجر به دوگانگی صنایع می‌شود. دولت با قدرت سرمایه‌گذاری بالاتر و جذب رانت‌های مختلف از پیکره اقتصاد و حذف رقبای خصوصی، مدیریت صنایع و کارخانجات بزرگ را تصاحب می‌کند. در نتیجه بخش خصوصی در حاشیه قرار می‌گیرد و صنایع کوچک را اداره می‌کند.

با این حال دولت با ایجاد زیرساخت‌ها، کمک به تامین مالی پروژه‌ها، ایجاد فضایی ایمن از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، حذف انحصارات اقتصادی و مواردی از این قبیل می‌تواند مشوق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد باشد. برعکس، وجود سیاست‌های متناقض در قوانین و مقررات، وجود انواع انحصارات و رانت‌های دولتی و شبه دولتی، کاهش امنیت اقتصادی، وجود سیاست‌های مالیاتی دولت و فشار اقتصادی و مالی بر شرکت‌ها، رکود در بازار، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش، هزینه‌های بالای تامین سرمایه از بانک‌ها و بالا بودن نرخ بهره بانکی، از جمله مواردی هستند که می‌توانند در انگیزه‌های بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد تردید جدی ایجاد کنند.

• **نرخ تورم:** در مورد متغیرهایی که نشان‌دهنده هزینه استفاده از سرمایه یا هزینه فرصت سرمایه‌گذاری است، می‌توان به نرخ بهره و نرخ تورم اشاره نمود. در مطالعات انجام شده علی‌رغم تأیید تأثیر معنی‌دار نرخ بهره بر سرمایه‌گذاری خصوصی، در مواردی نیز این موضوع مطرح شده است که محدودیت اصلی فراروی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه، هزینه سرمایه و نرخ بهره نیست، بلکه مقدار منابع مالی و دسترسی به اعتبارات است. در مورد ایران نیز نرخ بهره، به عنوان یک عامل توجیه‌کننده رفتار سرمایه‌گذاری، از اهمیت چندانی برخوردار نیست. زیرا در ایران و برخی کشورهای در حال توسعه، نرخ بهره سیستم بانکی، تحت کنترل دولت و نظام سیاسی بوده و به صورت بوروکراتیک تعیین شده و با قوای بازار ارتباطی ندارد و نمی‌توان از نرخ بهره به عنوان هزینه فرصت سرمایه‌گذاری استفاده کرد. با



توجه به مطالعات انجام شده در ایران، به جای شاخص نرخ بهره از نرخ تورم استفاده می‌شود. که به نظر می‌رسد نرخ تورم شاخص مناسبی در این زمینه باشد.

- **واردات کالاهای واسطه‌ای:** قسمت قابل ملاحظه‌ای از بدنه تولید کشور، وابسته به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌های وارداتی است و هر گونه ایجاد محدودیت می‌تواند باعث افزایش قیمت تمام شده کالاهای داخلی شود و کاهش تقاضا، کاهش تولید و بالاخره کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به همراه بیاورد. در عین حال، جلوگیری از واردات از طریق استراتژی جایگزینی واردات، می‌تواند فضایی بدون رقیب برای تولیدکننده داخلی فراهم کرده و موجبات افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم آورد.

- **اثر نااطمینانی نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری:** عوامل اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های خود را در زمینه‌های تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف، بر پایه اطلاعاتی که سیستم قیمت‌ها برای آنها فراهم می‌سازد، پی‌ریزی می‌کنند. در صورتی که قیمت‌ها غیرقابل اطمینان و پیش‌بینی شوند، کیفیت این تصمیم‌گیری‌ها کاهش خواهد یافت. این موضوع به ویژه در کشورهای با تورم بالا، اهمیتی دو چندان می‌یابد. به ویژه اینکه در کشورهای با تورم بالا، سطح تولید و سرمایه‌گذاری ناچیز است (البته موارد استثنا نیز وجود دارد) با این وجود، همین سرمایه‌گذاری‌های ناچیز در برخی موارد در بخش‌ها و خطوط تولیدی نادرست سرازیر می‌شوند و پس از مدتی به ناچار رها می‌شوند.

### عوامل موثر دیگر بر سرمایه‌گذاری

بخش خصوصی بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های توسعه، در بخش خصوصی نهفته است که متأسفانه، رویکردهای دولت محور و اقتصاد تک قطبی، مانع از ظهور و شکوفایی این استعدادها بالقوه می‌شود. این رویکردها از چند خصوصیت اساسی همچون کوتاه اندیشی، عدم انعطاف، عدم کارایی و اثربخشی، جزئی‌نگری، نبود منابع کافی، عدم خلاقیت و نوآوری و نبود آینده‌نگری برخوردارند و بدون مشارکت تمامی بخش‌های جامعه، نمی‌توان به موقعیت و رشد و توسعه در کشور و شهرها دست یافت. طی سال‌های اخیر و با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، زمینه افزایش مشارکت بخش خصوصی در امر سرمایه‌گذاری، تا حدودی در کشور ما فراهم گشته است. لیکن در این مسیر، به سبب عملکرد ضعیف دستگاه‌های اجرایی، تحقق‌پذیری کامل آن، با مشکلاتی مواجه بوده است. که این مشکلات به ترتیب اولویت در پنج عامل اصلی نهفته است که شامل: تعلم عوامل اقتصادی: برخورد مناسب و منطقی با شرایط پساتحریم، تنظیم مناسب نرخ تسهیلات بانکی، تضمین مناسب سرمایه، ارائه تسهیلات بیشتر به بخش‌های مولد، کاهش هزینه‌های مبادلاتی و هزینه‌های اخذ تسهیلات الله عوامل مربوط به دولت: خط



مشی‌ها و سیاست گذاری‌های دولت، شفافیت فضای تولید، ثبات نسبی در قیمت‌ها و نرخ تعرفه‌ها، ثبات در سیاست‌ها پس از تغییر مدیریت، عدم وجود تبعیض بین بخش‌های تولیدی و خدماتی الله قانونی و اداری: انعطاف‌پذیر بودن قوانین در برخورد با سرمایه‌گذاران خرد و کلان، ثبات در قوانین و مقررات، نظام اداری روان و تسهیل کننده، ارتباط منسجم بین مراکز علمی و واحدهای تولیدی الله عوامل فرهنگی: برخورد شایسته نهادها و سازمانهای مرتبط با امر سرمایه‌گذاری، ارزشمند بودن تفکر سرمایه‌گذاری در تولید، وجود فرهنگی مناسب کار و تولید تله عوامل منطقه‌ای: مدیریت کارا و توانمند در منطقه، وجود استراتژی منطقه‌ای برای هدایت سرمایه‌گذاران، وجود امکانات زیر بنایی، به روز شدن تکنولوژی‌ها، وجود امکانات مناسب خدمات عمومی.

#### ❖ موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

به طور کلی موانع موجود در مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را می‌توان به دو گروه عمده موانع درون سازمانی و موانع برون سازمانی طبقه بندی کرد.

در بخش **درون سازمانی** مهم‌ترین مشکلات عبارت است از: موانع بوروکراسی اداری و قوانین حاکم بر نظام اداری، تداخل قوانین با یکدیگر و بعضاً همپوشانی‌هایی است که قوانین با یکدیگر دارند و موجب کندی یا وقفه در روند کار می‌شوند، بی‌توجهی به نیازهای سرمایه‌گذاران و نبود تطابق پروژه‌های معرفی شده و تمایل سرمایه‌گذاران با هم.

اما در بخش **برون سازمانی** نیز مشکلاتی وجود دارد که می‌تواند به نحوی روند سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر خود قرار دهد که در شرایط زمانی و تحت تأثیر نظام‌های مدیریتی کشور می‌تواند در دوره‌های مختلف، متفاوت باشد. برای مثال در حال حاضر شرایط اقتصادی حاد حاکم بر کشور و نوسانات بسیار زیاد ارز می‌تواند این روند را متأثر کند.

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اساسا سرمایه‌گذاری در یک منطقه یا استان همبستگی بسیار بالایی با سیاست‌های کلی اعمال شده در ابعاد مختلف در سطح کشور دارد. بر این اساس، وجود قوانین و مقررات مزاحم سرمایه‌گذاری، رشد حباب گونه بخش خدمات به دلیل عدم وجود استراتژی مشخص در عرصه اقتصاد، فقدان نقشه جامع سرمایه‌گذاری در استان‌ها و مناطق و عدم ثبات قوانین، از موانع و مشکلات حضور بخش خصوصی به امر سرمایه‌گذاری می‌باشند. برای گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد کشور، توجه به این موارد و اقدامات عملی در جهت رفع آنها ضروری است.



## برخی از این مشکلات ساختاری برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی عبارتند از:

- ۱) **انحصارات:** وجود انحصارات مختلف دولتی و شبه دولتی در فعالیتهای اقتصادی ایران موجب شده است بخش خصوصی مجالی برای رقابت با بخش غیر خصوصی قدرتمند را نداشته باشد و از این رو کمتر وارد فعالیتهایی شده است که بخش دولتی و یا شبه دولتی در آن فعالیت دارند. از قضا فعالیتهایی که در آنها انحصار وجود داشته، بدترین عملکردها را شاهد بوده‌اند، در حالی که رقابت در بازارها موجب تنوع تولید، نوآوری و رضایت مصرف‌کننده شده است.
- ۲) **قوانین و مقررات دست و پاگیر و متغیر و بوروکراسی‌های شدید اداری در راه اندازی کسب و کار:** اگر چه برخی قوانین مثل اصل ۴۴ قانون اساسی اصلاح شده است، اما شاهدیم که تغییر محسوسی در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اتفاق نیفتاده و دلیل این موضوع، آن است که موانع عملیاتی سرمایه‌گذاری و موانع نانوشته، بعضاً قدرتی فراتر از موانع و محدودیت‌های نوشته شده دارند.
- ۳) **سیاست‌های مالیاتی دولت و رکود گسترده در بازار:** افزایش نرخ‌های مالیات و کسب انواع عوارض و مالیات‌ها از شرکت‌های تولیدی بخش خصوصی، هزینه‌های تولید را به شدت بالا برده و رکود گسترده در بازار، تقاضا برای محصولات را کاهش داده است. این موضوع روی سودآوری شرکت‌ها و توسعه سرمایه‌گذاری‌های آتی به شدت تاثیر منفی بر جای گذاشته است.
- ۴) **تحلیل و از بین رفتن قدرت اقتصادی بخش عمده‌ای از قشر متوسط جامعه و فقدان توان لازم برای سرمایه‌گذاری:** معمولاً در همه اقتصادها، بخش خصوصی که اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند، همان قشر متوسط به بالای جامعه است که درآمدهای مازاد بر نیاز را صرف سرمایه‌گذاری و تولیداتی می‌کند. مشکلات اخیر اقتصاد کشور از جمله تورم، رکود گسترده، آثار تحریم‌ها و نظایر آن باعث افزایش شدید هزینه‌های زندگی، کاهش پس اندازها و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری این بخش مهم شده است.
- ۵) **افزایش شدید هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تامین مواد اولیه:** آثار تحریم‌های اقتصادی به همراه موانع و محدودیت‌های گمرکی و اداری باعث شده است هزینه‌های تامین ماشین‌آلات مخصوصاً از خارج از کشور افزایش یافته و سرمایه‌گذاری مقرون به صرفه نباشد.
- ۶) **نرخ‌های بالای بهره بانکی:** نرخ بهره بالای بانکی در حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد از دو جهت به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ضربه وارد ساخته است. اول اینکه موجب شده هزینه تامین منابع مالی افزایش یافته و شرکت‌ها تمایل کمتری برای گرفتن وام و سرمایه‌گذاری داشته باشند. دوم اینکه باعث شده است افراد تشویق شوند به جای سرمایه‌گذاری و تحمل ریسک‌های مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری و در دسرهای اداری و غیراداری آن، منابع مالی خود را در بانک‌ها و موسسات اعتباری گذاشته و از سود تضمین شده



آن بهره برداری کنند. به عبارت دیگر نرخ‌های بهره بالای بانکی تولید و سرمایه‌گذاری را فعالیتی پر خطر و غیر منطقی ساخته است. برای بهبود روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد کشور، باید به این زیرساخت‌ها توجه بیشتری داشت.

#### ۷) لغو معافیت پرداخت حقوق ورودی ماشین‌آلات و تجهیزات تولید در قانون بودجه ۱۴۰۱: در حالی

که تا پیش از این طبق ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی، صنعتی، معدنی و کشاورزی از پرداخت حقوق ورودی معاف بود. این در حالی است که در دو سال اخیر به ویژه با تأکید که بر حمایت از تولید وجود داشت و نامگذاری سالانه تحت عناوین حمایت از تولید، در حوزه واردات اقلام مرتبط با تولید تسهیلاتی پیش‌بینی شد که از جمله آن توافق وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) و گمرک ایران در مورد معافیت ماشین‌آلات و تجهیزات خطوط تولید از پرداخت حقوق ورودی بود که پیش‌تر این معافیت اجرا می‌شد ولی در چارچوبی با ضوابط مشخص قرار گرفت. مسئولان وقت تأکید داشتند که توافق صورت گرفته، در راستای ارائه تسهیلات به تولیدکنندگان بوده که به شفاف‌سازی موضوع معافیت‌های گمرکی تجهیزات تولیدی منتهی می‌شود و واحدهای تولیدی مجاز می‌توانند بدون مانع و معطلی از معافیت حقوق ورودی با ضوابط مشخص استفاده و در حداقل زمان نسبت به ترخیص ماشین‌آلات و تجهیزات خطوط تولید خود از گمرک بدون پرداخت هرگونه وجهی اقدام کنند. تفاهم بین گمرک و وزارت صمت در ۱۲ بند تنظیم شده بود که اکنون با توجه به لغو معافیت، قابلیت اجرا ندارد.

#### از جمله موانع دیگری که بخش خصوصی در حوزه سرمایه‌گذاری با آن روبروست می‌توان به موارد

زیر اشاره کرد:

- مشکلات اقتصادی داخلی و بین‌المللی حاکم در شرایط کنونی
- بی‌اعتمادی و اطمینان نداشتن سرمایه‌گذاران در شرایط فعلی به دلیل بی‌ثباتی در محیط کسب و کار
- تغییر مدیریت‌ها و حاکمیت رفتار سلیقه‌ای
- طولانی بودن روند قضایی در صورت بروز اختلال
- فراهم نبودن محیط رقابتی سالم و شفاف
- نبود اطلاعات شفاف از وضعیت بنگاه‌ها، صنایع و واحدهای تولیدی و اقتصادی
- شناخت ناکافی از حوزه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در استان (عدم انسجام اطلاعات پروژه‌های سرمایه‌گذاری)
- ناهماهنگی بین سازمان‌های ذی‌ربط استان برای سرمایه‌گذاری
- رکود در بازار مسکن و انبوه سازی



## ❖ جمع بندی

سرمایه گذاری از دو جهت می تواند در بخش های مختلف اقتصادی تاثیر گذار باشد. اول اینکه با افزایش سرمایه گذاری تولید نیز افزایش می یابد و دیگر اینکه در کنار سرمایه گذاری همواره مخارج زیادی صرف خرید و مصرف کالاهای مختلف می شود و به عبارت دیگر سرمایه گذاری سبب رونق مصرف کالاهای تولیدی بخش های مختلف می شود و تقاضا را افزایش می بخشد. افزایش در حجم سرمایه گذاری می تواند منجر به افزایش بنیه اقتصادی کشور، کاهش واردات، افزایش ذخایر ارزی، ارتقا سطح فناوری و حرکت سریع به طرف پیشرفت اقتصادی شود.

از مهم ترین پیشنهادات برای بهبود هر چه بیشتر شرایط سرمایه گذاری و تعامل سازنده تر بین طرفین سرمایه گذار می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- سرمایه پذیری از طریق ایجاد زمینه های جذب،
- تسهیل قوانین،
- تضمین برگشت سود،
- تشکیل کمیته سرمایه گذاری،
- تعریف بسته های پیشنهادی مشارکتی،
- قائل شدن مزایا برای ترغیب مشارکت ها،
- همچنین با توجه به اثر منفی تورم و نوسان نرخ ارز بر سرمایه گذاری کارگاه های صنعتی متوسط، کنترل تورم و ثبات آن، کاهش نوسان نرخ ارز و یا به عبارت دیگر، ثبات شاخص های کلان اقتصادی می تواند نقش مؤثر و مثبتی جهت برقراری ثبات، افزایش اطمینان و انگیزه سرمایه گذاران جهت سرمایه گذاری های مولد در اقتصاد شود.
- در اقدامات سیاستی، اجرایی و قانونی لازم جهت بستر سازی مناسب و افزایش سطح اطمینان بخش خصوصی می تواند کاهش اندازه دولت که در واقع یکی از موانع افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی است و از اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی است، را به همراه داشته باشد.
- تدوین سیاست های کلی چهارساله برای سرمایه گذاری اشاره کرد،
- همچنین هزینه های مصرفی دولت بیشترین تأثیر منفی را بر سرمایه گذاری خصوصی دارد، پیشنهاد می شود دولت از طریق کاهش هزینه های مصرفی خود، زمینه افزایش سرمایه گذاری خصوصی را فراهم سازد.
- با توجه به تأثیر بالا و مثبت نرخ تسهیلات اعطایی شبکه بانکی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، پیشنهاد می شود در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های کلان کشور به این مورد اهمیت بیشتری داده شود.
- دولت از طریق افزایش مخارج سرمایه ای خود، در زیربناها (بزرگ راه ها، فرودگاه ها، سیستم های آبرسانی و...) باعث گسترش امکانات برای سرمایه گذاری بخش خصوصی شود و تقاضا برای تولید خصوصی را از طریق انتظارات تولید و سرمایه گذاری بخش خصوصی افزایش دهد.